

## ( باز تعریف نظام خانواده از منظر اسلام و بررسی نقش آن در تعامل دانشجو و دانشگاه )

دکتر رضا اسماعیلی<sup>۱</sup>

محمد حسین پسندیده<sup>۲</sup>

### چکیده

از ابتدای تاریخ تا کنون خانواده در بین تمامی جوامع بشری به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و منشا فرهنگ ها، تمدن ها و تاریخ بشر بوده است. همواره پرداختن به این بنیان مقدس و بنیادین جامعه و حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی و متعالی اش اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی خود و سقوط به ورطه هلاکت و ضلالت بوده است. خانواده مؤثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است که در شرایط مختلف در تاثیر و تاثیر متقابل با فرهنگ و عوامل اجتماعی است. انسانها در خانواده به هویت و رشد شخصیتی دست می یابند و در خانواده های سالم و رشید به تکامل معنوی و اخلاقی نایل می شوند. لذا خانواده عامل کمال بخشی، سکونت، آرامش و بالندگی به اعضای خویش است که در تحولات اساسی جوامع نقش مهمی را ایفا می کند و بی توجهی به این رکن رکن اجتماع گسستگی و عدم هماهنگی بسیاری از بخشهای اجتماع را به همراه خواهد داشت. به همین جهت در این مقاله که با روش توصیفی، تحلیلی صورت گرفته است در ابتدا نظام خانواده از منظر اسلام و آموزه های دینی و سخنان گهر بار ائمه معصومین مورد بررسی قرار می گیرد و با توجه به تعریفی که از نظام خانواده از متون اسلامی ارائه می شود، به بررسی ابعاد مختلف آموزه های اسلامی در خصوص بنیان خانواده از زمان تشکیل تا ادامه فعالیت ها مورد توجه قرار می گیرد و در نهایت با تأکیدی که بر بنیان مقدس خانواده انجام می گیرد ارتباط این کانون مهم را با جوان، دانشجو و دانشگاه مورد بررسی قرار می دهد.

کلیدواژگان :

نظام خانواده، جوان، دانشجو، دانشگاه

(۲). معاون فرهنگی و عضو هیئت علمی گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

(۱). کارشناس ارشد رشته مدیریت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد

سازمان بهداشت جهانی خانواده را به عنوان عامل اولیه اجتماعی در افزایش سلامت و بهزیستی اعضا معرفی کرده است (کمپل<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳). اگر کانون خانواده در بر گیرنده محیط سالم و سازنده و روابط گرم و تعامل بین فردی صمیمی باشد می تواند موجب رشد و پیشرفت اعضای خانواده شود. ارتباط سازنده در خانواده به توانایی اعضای خانواده در برقراری ارتباط مؤثر و اتخاذ دیدگاهی مثبت نسبت به همدیگر بستگی دارد (منند نهال<sup>۴</sup>، ۱۹۹۶). زوجین بعنوان هسته اصلی خانواده مورد توجه هستند. زوجینی که خود را قادر بر تغییر روابط و تعغملات خود بدانند با استفاده مهارت‌های مختلف ارتباطی و حل مسئله در جهت سلامت و امنیت خانواده خود حرکت می کنند. تنظیم اهداف شخصی با سه شاخصه مهم سلامت روان یعنی رضایت از زندگی، عزت نفس و خوش بینی رابطه دارد (پنزیک<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶). از بدو پیدایش انسان بر روی کره زمین، همواره زنان و مردان، با تشکیل کانونی به نام خانواده، عمری را در کنار یکدیگر گذرانیده و فرزندان در دامان پر مهر خویش پرورانده و از این جهان رخت بر بسته اند. طبیعی ترین شکل خانواده، همین است که هیچ عاملی جز مرگ نتواند پیوند زناشویی را بگسلد و میان زن و شوهر جدایی بیفکند. کوشش مصلحان جامعه مخصوصا پیامبران خدا این بوده است که نظام خانواده، یک نظام مستحکم و پایداری باشد و هیچ عاملی نتواند این کانون سعادت را متلاشی گرداند. دنیای امروز که دنیایی مضطرب و پریشان است، علی رغم پیشرفت های حیرت انگیز علم و صنعت، در مسأله خانواده با مشکلات بزرگی روبه رو است. برای این که بتوانیم مشکلات زندگی خانوادگی را از جامعه خود ریشه کن کنیم و گامی در راه تداوم بخشیدن به کوشش مصلحان و رهبران اجتماعی برداریم، ابتدا باید بدانیم که خانواده چیست و این واحد کوچک اجتماع از دیدگاه اسلام و قرآن مجید چگونه است؟ خانواده را از دیدگاه های مختلف می توان تعریف کرد. که پاره ای از آنها سطحی و پاره ای دیگر عمقی است. پر واضح است که هر چه دیدگاه ما عمیق تر باشد، به شناختی کامل تر و قابل اعتماد تر رسیده ایم و هر چه شناخت ما از خانواده کامل تر و عمیق تر باشد، بهتر می توانیم به این نهاد مقدس، رونق بخشیم و تزلزل و ناپایداری را از محیط آن دور سازیم. در یک نگاه ظاهری متوجه می شویم که عناصر اصلی تشکیل دهنده خانواده، یک زن و یک مرد است که مطابق آداب و رسوم اجتماعی خویش با یکدیگر پیوند زناشویی بسته اند و بعد فرزند یا

<sup>3</sup>. Campbell

<sup>4</sup>. Mendenhall

<sup>5</sup>. Penezic

فرزندانی بر جمع آنها افزوده شده است. خانواده را با همین نگاه ظاهری می شود تعریف کرد، ولی این اندازه کافی نیست، عمده این است که ببینیم چرا زن و مرد، به دنبال تشکیل زندگی مشترک می روند؟ و آیا این یک نیاز فطری و طبیعی است یا به قول مارکسیست ها که همه چیز را ناشی از بنگاههای اقتصادی می دانند یک نیاز غیرطبیعی و طبقاتی است؟ در این مقاله که با هدف واکاوی و بررسی نظام خانواده در متون اسلامی است به بررسی ابعاد مختلف کارکردهای بنیان خانواده پرداخته شده است و در نهایت ارتباط این نظام مهم و بنیادی را با جوان، دانشجو و دانشگاه مورد بررسی قرار داده شده است.

### **ضرورت تشکیل خانواده**

در تبیین تشکیل خانواده، طرز تفکرهای مختلف وجود دارد. در نظر برخی افراد که قابل به اصالت غرایز جنسی هستند، ازدواج و تشکیل خانواده تنها وسیله هدفهای جنسی و ارضای هوسهای شهوانی است. دسته دیگری که تمایلات سودجویی دارند، به آن جنبه اقتصادی می دهند و چنین می پندارند که پیوند زناشویی یک نوع تجارت و معامله بین دو خانواده است. این گونه طرز فکرها با هدف اصلی زناشویی که یک ضرورت اجتماعی است و به منظور بقای نسل صورت می گیرد، فاصله زیادی دارد. (لاری، ۱۳۸۲).

«مولیر»، جامعه شناس آلمانی می گوید: سه عامل افراد را به سوی ازدواج می کشاند که عبارتند از: نیاز اقتصادی، میل به داشتن فرزند و عشق. این عوامل با این که در کلیه جوامع وجود داشته، اما اهمیت آن در ادوار مختلف متغیر بوده است. در جوامع اولیه، علل اقتصادی اهمیت بیشتری داشته است، حال این که در مدنیت های باستانی، زاد و ولد و در مدنیت های امروزی، عشق مقام مهم تر را دارا بوده است (همدانی، ۱۳۷۰).

باتوجه به دیدگاههایی که بطور اجمالی مطرح گردید در ادامه بحث به تشریح عوامل و اهداف تشکیل خانواده در اسلام می پردازیم :

### - حفظ نسل

اسلام با فراخوانی به تشکیل خانواده که بهترین وسیله برای حفظ عفت عمومی است به ندای فطرت آدمی، پاسخ می دهد. اسلام، زناشویی را یگانه وسیله پیدایش فرزندان درست کار و حفظ نسل شناخته است. از این رو، در قرآن آمده است. وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَيْنًا وَحَفْذَةً وَرَزَقَكُمْ مِنْ الطَّيِّبَاتِ ...؛ خداوند برای شما از جنس خودتان، همسرانی قرار داد و برای شما از همسران تان، فرزند و نوزادانی پدید آورد و نعمت های پاکیزه را روزی شما ساخت (سوره نمل، آیه ۷۲).

### - پیشگیری از روابط ناسالم جنسی

اسلام بر این باور است که تشکیل خانواده و به کار بستن قوانین ازدواج تنها راه پیشگیری از پی آمدهای زیان بار افراط و تفریط در روابط جنسی و رستگاری جامعه انسانی است. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: ای مسلمانان دختران شما به منزله میوه رسیده بالای درخت هستند. اگر میوه های مطبوع و تازه به هنگام ریختن از درخت چیده نشود، تابش آفتاب و دیگر عوامل جوی، آن ها را فاسد و تباه خواهد ساخت. هم چنین اگر به ندای عزت دختران خود، پاسخ درست و مثبت ندهید و برای آنان، شوهر نگزینید و با ازدواج، سلامت مزاج شان را فراهم نیاورید، هرگز از انحراف و گرایش به آنان به فساد، در امان نخواهید ماند، زیرا آنان نیز بشرند و باید به نیازمندی های شان پاسخ داد. (کلینی، ۱۴۰۵ق).

## - ایجاد آرامش روحی، اخلاقی و فکری

روزی مردی به محضر پیامبر اکرم(ص) آمد و گفت: یا رسول الله! همسری دارم که چون به خانه می‌روم، به پیشبازم می‌آید و وقتی بیرون می‌روم، بدرقه‌ام می‌کند. اگر مرا غصه‌دار ببیند، می‌گوید: غم مخور که اگر غم روزی می‌خوری، خداوند آن را به عهده گرفته است، اگر هم برای آخرت غم داری و اندیشه می‌کنی، خداوند بر اندیشه تو بیافزاید. رسول خدا(ص) فرمود: او را به بهشت بشارت ده و به وی بگو: تو یکی از عاملان خداوندی و در هر روز پاداش هفتاد شهیده برای تو خواهد بود(مکارم الاخلاق، ص ۲۷).

## - تکمیل و تکامل انسانی

به یقین، ازدواج از جمله اموری است که آدمی را در بعد مادی و معنوی به سوی کمال سوق می‌دهد و مایه تکامل او است. زن و مرد در سایه ازدواج حس می‌کنند که کامل شده‌اند، زیرا دختر وارد جرگه زنان و مادران و پسر به دنیای مردان و پدران پیوسته است. این امر به ویژه در زمانی شکل می‌گیرد که پیوند زناشویی با معنویت همراه باشد و زن و شوهر در سایه آن، احساس آرامش کنند و به خدا نزدیکتر شوند.(طاهری، ۱۳۷۵).

بدین گونه، زن و مرد می‌توانند به سرچشمه مشترک آفرینش برسند، زیرا به گفته قرآن از نفس واحدی پدید آمده‌اند: **هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا**؛ اوست خدایی که شما را از یک نفس واحد آفرید و زوجش را از جنس او مقرر داشت تا با او آرام گیرد(سوره اعراف، آیه ۱۸۹).

## - پرورش فرزندان

در جامعه اصیل اسلامی، خانواده در نگهداری، پرورش و آموزش فرزندان بزرگ‌ترین نقش را برعهده دارد. از دیدگاه اسلام، یکی از وظیفه‌های اصلی پدر و مادر، پرورش فرزندان بر پایه اصول درست اخلاقی است که اگر در انجام آن، کوتاهی ورزند، با بازخواست الهی روبه‌رو خواهند شد. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: **یلزم**

الوالدين من العقوق لولدهما ما يلزم الولد لهما من عقوقهما؛ اگر فرزندان به وظیفه خود در برابر پدر و مادر عمل نکنند، عاق والدین می‌شوند. اگر پدر و مادر نیز به وظیفه خود در برابر فرزندان عمل نکنند، عاق خواهند شد (وسائل الشیعه، ج ۲۱). هر کودکی، دین و مذهب و باورهای بنیادین خود را نخستین بار در دامن خانواده فرا می‌گیرد و در آن‌جاست که با اصول و فروع و «باید» و «نبایدهای» آن آشنا می‌گردد. به عنوان مثال، کودک مسلمان، نماز خواندن، روزه گرفتن، حلال و حرام و واجب و مستحب خود را بیش از هر کس و هر جا از خانواده و درون آن فرا می‌گیرد» و این وظیفه‌ای است که دین مقدس اسلام بر دوش خانواده نهاده است (شفیعی، ۱۳۷۲).

امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: الغلام یلعب سبع سنین و یتعلم الکتاب سبع سنین و یتعلم الحلال و الحرام سبع سنین؛ پسر باید تا هفت سالگی بازی کند، آن‌گاه هفت سال خواندن و نوشتن بیاموزد، سپس هفت سال نیز حلال و حرام خدا را یاد بگیرد. همچنین ایشان در باره پرورش فرزندان و آموزش آداب و رفتار اجتماعی به فرزندان می‌فرماید: اکرمو اولادکم و احسنوا آدابهم؛ فرزندانان را گرامی بدارید و به آنان، آداب پسندیده بیاموزید (بحار الانوار، ج ۱۰۴).

#### - شکل دهی به هویت اجتماعی

در بسیاری از جوامع صنعتی معاصر به ویژه در جوامع طبقاتی، خانواده تعیین کننده پایگاه اجتماعی و هویت افراد محسوب می‌شود. کودک در داخل خانواده متولد می‌شود و با افکار و شیوه زندگی و شرایط آن پرورش می‌یابد. از این رو، می‌توان گفت خانواده در این جوامع، آگاهانه یا ناخودآگاه، وظیفه اساسی تعیین هویت اجتماعی اعضای خود را به دوش دارد و در این مورد نقش مهمی ایفا می‌کند. در حالی که در جامعه اسلامی، تقوا، علم و عمل، تعیین کننده پایگاه اجتماعی افراد است. در این میان، وظیفه فراهم آوردن بستر تکامل فرد به طور غیر مستقیم بر عهده خانواده قرار دارد. قرآن مجید در این باره می‌فرماید: **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ**؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزگاترین شماست (سوره حجرات، آیه ۱۳).

## جایگاه نظام خانواده در اسلام

خانواده در اسلام از جایگاه ممتازی برخوردار است. در این مکتب، خانواده خشت بنای اجتماع است و هر قدر خشت این بنا محکم باشد، جامعه پویاتر است و افراد جامعه، رستگارتر خواهند بود. خانواده در ساختمان جامعه «اسلامی» هم چون اتم در ساختمان اجسام طبیعی است. در ساختمان اتم، دو جزء اصلی به نام «الکترون» و «پروتون» وجود دارد که این دو جزء در جذب و انجذاب یکدیگر قرار دارند. پروتون، هسته مرکزی است و الکترون ضمن تکاپوی شبانه‌روزی همواره بر گرد مرکز خود می‌چرخد و از حوزه جاذبه مرکزی خارج نمی‌شود و فاصله نمی‌گیرد. اگر با نیروی شکننده اتم که نیروی قهری و غیر طبیعی است این دو جزء مکمل از حوزه جذب و انجذاب یکدیگر خارج شوند، نیروی مهار شده عظیمی رها می‌شود که می‌تواند ویرانی‌هایی به بار آورد (لاری، ۱۳۸۲).

زن و مرد و دو جزء مکمل یکدیگرند و سازنده‌ی اتم «خانواده» هستند. مرد الکترون‌وار بر محور زن که در حکم پرتون است، می‌چرخد و نباید از حوزه‌ی جذب و انجذاب همسر خویش خارج شود. زن نیز باید جاذبه وجودی خود را در کنش شوهر تقویت کند تا این اتم متلاشی نشود. اگر این اتم متلاشی شود و گره یا پیوند خانواده از راه طلاق پاره شود، به نیرویی رها می‌شود که عرش عظیم خدا را به لرزه در می‌آورد. به همین دلیل رسول خدا (ص) می‌فرماید: **تَزَوَّجُوا وَلَا تَطْلُقُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ يَهْتِزُّ مِنْهُ الْعَرْشُ؛** ازدواج کنید، ولی طلاق ندهید، زیرا عرش خدا از طلاق می‌لرزد (وسائل الشیعه، ج ۲۲).

ارزش و اهمیت تشکیل خانواده به گونه‌ای است که خداوند کسانی را که خانواده تشکیل می‌دهند، به لطف و مرحمت خود بشارت داده است: **وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛** زنان و مردان را همسر دهید و هم‌چنین غلامان و کنیزان شایسته و درست کار خود را، اگر نیازمند و فقیر باشند، خداوند از لطف و فضل خویش، آن‌ها را بی‌نیاز می‌سازد. (سوره نور، آیه ۳۲).

## تعریف خانواده

امروزه دانشمندان علوم اسلامی، جامعه شناسی، جمعیت شناسی، روان شناسی و آموزش و پرورش، در زمینه جایگاه خانواده در اجتماع و شیوه‌های بررسی نقش‌های این نهاد اجتماعی، خود تعریف ویژه‌ای از خانواده به دست می دهند. البته دانشمندان هر گروه نیز درباره تعریف خانواده، نظر یگانه ای ندارند. برای نمونه، گروهی از جامعه شناسان «آن را یک نهاد اجتماعی می نامند و عده‌ای دیگر، مینیاتوری از سازمان اجتماعی می شمارند. برخی از آن به عنوان پناهگاهی برای اعضا نام می برند و بعضی، آن را یک گروه اجتماعی می دانند». همین مسأله درباره دانشمندان علوم اسلامی و آموزش و پرورش صدق می کند. آنان بر پایه برداشت خود از آیات قرآنی و روایت‌های اسلامی، به تعریف این نهاد سرنوشت ساز اجتماعی می پردازند. اینک، این تعریف را پی می گیریم.

اسلام خانواده را گروهی متشکل از افراد، دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی می کند که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مرد تشکیل می دهد. نکاح، عقدی است که بر اساس آن، رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار و پس از آن، طرفین دارای وظایف و حقوق جدید می شوند. ارتباط خویشاوندی در سایه نکاح پدید می آید و اعضای آن دارای روابط قانونی، اخلاقی و عاطفی می گردند. هر چند چنین تعریفی از نظر حقوق خانواده، درست است، ولی برای آشکار شدن تعریف دقیق خانواده و ماهیت آن در اسلام، باید به قرآن مراجعه کنیم و کلید گشایش این معما را در آن بجوییم. «از نظر قرآن اصولاً خلقت انسان ها جفت جفت است... و بر حسب فطرت خود در پی یافتن جفت خود، کوشش می کند و هر کدام با تکنیک مخصوص خود، این وظیفه فطری را انجام می دهند؛ مرد با تکنیک مردانه خود و زن با تکنیک زنانه خود، سرانجام همدیگر را می جویند و کامل می کنند(همدانی، ۱۳۷۰).



منطق قرآن در این باره، این گونه می گوید :

۱- خداوند می فرماید: وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ؛ ما، شما را جفت آفریدیم»(سوره نبا، آیه ۸).

۲- آنگاه مراحل آفرینش را بر می شمارد: وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا ؛ خدا، شما نوع بشر را نخست از خاک بیافرید، سپس از نطفه خلق کرد، آن گاه شما را جفت قرار داد(سوره فاطر، آیه ۱۱).

۳- درباره ساختار ازدواج (جفت آفرینی) در نظام آفرینش می فرماید: فَأَطَرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ؛ خدای آفریننده زمین و آسمانها برای شما از جنس خودتان، جفت قرار داد و نیز چهارپایان را جفت آفرید تا با این (تدبیر) خلق شما را بی شمار سازد»(سوره شوری، آیه ۱۱).

۴- درباره هدف از آفرینش جفت انسانی می گوید: وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ؛ و یکی از نشانه های الهی آن است که برای شما از جنس خودتان، جفتی بیافرید که در بر او آرامش یابید و با هم انس بگیرید و میان شما، رأفت و مهربانی برقرار ساخت(سوره روم، آیه ۳۱).

قرآن با سخنان به فلسفه اساسی تشکیل خانواده اشاره کرده است. «در واقع، اگر جفت گرایی در طینت انسان بود و همسران وسیله سکون و آرامش یکدیگر نبودند، انسان چه نیازی داشت که با بستن پیمان زناشویی، استقلال فردی خود را در جمع کوچک خانواده محدود سازد و همه لوازم و نتایج آن را تحمل کند؟!»

خداوند در این باره می فرماید: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ؛ خداست که آرامش را بر دل های مؤمنان فرو فرستاده است»(سوره فتح، آیه ۴).

این جاست که انسان با الهام از قرآن مجید پی می برد خانواده تنها محیط آمیزش جنسی نیست، بلکه محیط آمیزش روحها، جذب و انجذاب باطنی زن و مرد و پر شدن خلأ های روحی هر یک به وسیله دیگری و به وحدت رسیدن آنها و فنای آنها در یکدیگر و پرورش فرزندان نیکو است»(باهر، ۱۳۵۹).

## اهمیت تعامل بهتر و بیشتر والدین با جوانان

برقراری ارتباط عاطفی و دوستانه میان زن و شوهر در برخورد درست پدر و مادر با فرزندان اثر دارد و به تکامل روحی و روانی فرزندان می‌انجامد. دین مقدس اسلام با بیان حقوق فرزند یادآور می‌شود که رعایت این حقوق در بهبود روابط پدر و مادر با فرزندان، نقش برجسته‌ای خواهد داشت (دیلمی و همکاران، ۱۳۸۱).

### - فراخوانی فرزندان به کارهای شایسته

والدین از مهم‌ترین الگوهایی هستند که مورد توجه و تقلید فرزندان قرار می‌گیرند و تمام حرکات و سکنات والدین سرمشقی است برای کودکان و نوجوانان. پس شایسته است آنان با دقت در گفتار و رفتار خود، فرزندان را به کارهای شایسته فراخوانند. امام صادق (ع) می‌فرماید: مردم را با کردار خود بخوانید نه با زبان خویش. پدر و مادر باید بکوشند با دست یافتن به وحدت نظری و عملی، به آنچه می‌گویند، ایمان داشته باشند و بدان عمل کنند. بدین ترتیب درس بزرگی به فرزندان خویش خواهند آموخت (استادان، ۱۳۸۰).

### - برقراری ارتباط عادلانه با فرزندان

تمام فرزندان حق دارند از محبت و احترام پدر و مادر خود برخوردار شوند. تخلف از این قانون الهی، مسئولیت سنگینی برای والدین ایجاد می‌کند و موجب دشمنی میان فرزندان خواهد شد (بابازاده، ۱۳۸۰). پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: در میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید، همان گونه که دوست دارید در محبت و لطف یا عدالت با شما رفتار کنند (بحار الانوار، ج ۱۰۴).

## - وفای به عهد

پدر و مادر باید به وعده‌هایی که به فرزندان‌شان می‌دهند، عمل کنند و از دادن وعده‌هایی که ناممکن است یا به صلاح فرزندان‌شان نیست، بپرهیزند. پدر و مادر در وفای به عهد باید به گونه‌ای رفتار کنند که فرزندان حتی احتمال پیمان شکنی و سرپیچی از وعده ندهند. پیامبر گرامی اسلام (ص) درباره وفای به عهد می‌فرماید: «بچه های تان را دوست بدارید و آنان را نوازش کنید و هرگاه به آنان چیزی وعده دادید، به وعده خود عمل کنید(فروع کافی، ج ۶)».

## - توجه به تفاوت‌های فردی

در این دنیای پهناور هیچ انسانی یافت نمی‌شود که کاملاً شبیه انسان دیگری باشد. خداوند درباره آفرینش میان آدمیان فرموده است: **وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا**؛ به یقین، شما را گوناگون آفریده است(سوره نوح، آیه ۱۴).

والدین باید بدانند همان گونه که فرزندان‌شان از نظر شکل و ظاهر با کودکان دیگر متفاوتند، از لحاظ هوش، حافظه، مهارت‌ها و شخصیت، استعدادها، تحصیلی و غیره نیز با هم متفاوت هستند. بنابراین، باید به میزان توانایی‌شان، از آن‌ها انتظار داشت. هم‌خوانی انتظارات و امکانات ایجاب می‌کند که سه امر در راستای یکدیگر مورد توجه والدین قرار گیرد:

الف) درک عمیق و روشن از توانایی‌های فرزندان در زمینه‌های گوناگون.

ب) استنباط و روشن‌بینی والدین نسبت به تمایلات و علایق آن‌ها.

ج) تنظیم و تفویض مسئولیت‌ها به آنان بر مبنای توجه به تمایلات و توانایی‌های فرزندان (خانواده متعادل، ۱۳۸۵).

## - آزادی کافی همراه با نظارت

پدر و مادر ضمن اعطای آزادی به فرزندان باید مراقب رفتار، گفتار و ابتکارات فرزندان خود باشند. اعطای آزادی بیان، فرزندان را برای اجتماع بهتر آماده می‌کند و موجب می‌شود ابتکارات، خلاقیت‌ها و لیاقت‌های خود را بروز دهند شایسته است پدر و مادر هم زمان با دادن آزادی به فرزندان، بر همه جنبه‌های رفتاری آنان، نظارت داشته باشند. هم‌چنین می‌توانند با اولیای مدرسه فرزند خود ارتباط برقرار سازند و فرزندان خویش را به شرکت در برنامه‌های فوق برنامه مانند: اردوها، مراسم‌ها و... تشویق کنند. بدین ترتیب، حس اعتماد به نفس در آنان تقویت می‌شود و به شکوفایی استعدادها می‌انجامد. احساس کفایت در زندگی پیچیده حاضر بیش از هر زمان دیگر ضرورت می‌یابد به ویژه زمانی که فرد با مستقل شدن از خانواده، خود را در برابر همه مشکلات یکه و تنها می‌بیند. سالم‌سازی روابط درون خانواده و پرهیز از برخوردهای موهن و تحقیرآمیز، اولین گام در جهت تأمین احساس کفایت است (آرامش، ۱۳۸۵)

## - احترام به رفتار و گفتار فرزندان

هنگامی که به نظر فرزندان توجه شود و آنان اجازه یابند عقیده خویش را آزادانه مطرح کنند، وابستگی و پیوند آنان با خانواده بیشتر خواهد شد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: به فرزندان خود احترام بگذارید و در ادب و پرورش آنان کوشا باشید (بحار الانوار، ج ۱۰۴).

## - مشورت با فرزندان و برخورد منطقی با خواسته‌های غیر منطقی

هنگامی که فرزند نوجوان یا جوان خانواده، طرف مشورت پدر و مادر قرار می‌گیرد، احساس بزرگی و عظمت و استقلال به او دست می‌دهد. وی می‌اندیشد اکنون که مورد اعتماد خانواده قرار گرفته است، باید چنان رفتار کند که این حس اعتماد از دست نرود. همین مسأله خود، عامل مهمی در کنترل رفتار فرزندان به شمار می‌رود. والدین خود محور و مستبدی که فرزندان را به حساب نمی‌آورند و در دوره وزارت (هفت سال سوم) قدرت، خلاقیت، تفکر، تعاون، هم‌آهنگی و مسئولیت فرزندان خود را با مشورت و پرورش نمی‌دهند، بزرگ‌ترین

لطمه را به آنان می‌زنند (نحوه رفتار والدین با فرزندان، ۱۳۸۱). در اهمیت مشورت همین بس که پیامبر خدا(ص) به مشورت فراخوانده شده، در حالی که خود، داناترین انسان جهان است. خداوند به آن حضرت می‌فرماید: *وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ...؛* ای پیامبر! با مردم در امور گوناگون، مشورت داشته باش و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹).

والدین در حالی که از طریق مشورت، فرزندان را محترم می‌شمارند، نباید آن را خودرو و خیره سر بار بیاورند... فرزندان در دوره وزارت باید احساس کنند که فردی رها شده نیستند. و باید اصولی را در خانواده محترم بشمارند... نوجوان اغلب تحت تأثیر تمایلات و خواسته‌های خویش است و بدون آینده‌نگری می‌خواهد به این تمایلات برسد. او در این راه اصرار می‌ورزد و میل دارد که حرف خود را به کرسی بنشاند. پس والدین باید با منطقی قوی در برابر خواسته‌های غیر منطقی فرزندان قاطعیت نشان دهند و فرزندان را در جای خود به انعطاف و اداری کنند (استادان، ۱۳۸۰).

#### - هماهنگی در امر پرورش

پدر و مادر باید بدانند اختلاف نظرها و درگیری‌های پی در پی آنان با یکدیگر برای نوجوانان، پی آمده‌های زیان باری دارد. اگر کشمکش‌های خانوادگی به فرجامی خوش نرسد، روند پرورش فرزندان دچار نارسایی خواهد شد. در این صورت، ممکن است مادر بی‌اعتنا به نیازهای عاطفی فرزند، او را از عاطفه مادرانه خود محروم سازد. هم‌چنین دوری پدر از خانواده و برخورد خشک و بی‌روح با فرزند، چنین فرزند را بی‌روح و عاطفه، بار خواهد آورد. خانواده‌ای متعادل است که رابطه زن و شوهر در آن، عاطفی، دو جانبه و متعهدانه باشد. در این حالت، هرگاه یکی از آنان، رفتاری را از فرزندشان بخواهد، دیگری نیز از آن پشتیبانی خواهد کرد. بدین ترتیب، فرزند درمی‌یابد که این رفتار را باید انجام دهد؛ زیرا پدر و مادر از او خواسته‌اند و به یقین، به سود اوست. با این حال، اگر میان پدر و مادر هماهنگی نباشد، افزون بر این که فرزند به تضاد رفتاری دچار می‌شود، از اختلاف پدر و مادر برای ختنی کردن سخنان یکی از آن دو، سود می‌جوید. بدین گونه پرورش، یکی از عناصر اصلی خود، یعنی هماهنگی در رفتار را از دست می‌دهد و به شکست می‌انجامد (افروز، ۱۳۸۵).

## - شناخت کامل دوره‌های رشد فرزندان

پدر و مادر باید از دوره‌های رشد فرزندان خود آگاهی کامل داشته باشند. آنان باید بدانند که فرزندان‌شان در هر دوره‌ای از رشد، با چه مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند و نیازهای‌شان در آن دوره چیست. در این زمینه، شایسته است با کارشناسان امر رشد و پرورش، رای زنی کنند و آگاهی‌های لازم را به دست آورند.

پیامبر اکرم(ص) با توجه به اهمیت دوران رشد در شکل‌گیری شخصیت فرزندان می‌فرماید:

فرزند تا هفت سالی سرور است، هفت سال دوم، خدمت‌گزار و هفت سال سوم، وزیر خانواده است(وسائل الشیعه، ج ۲۱).

## عوامل مؤثر بر کمرنگ شدن تعامل و ارتباطات مؤثر در نظام خانواده

### - دگرگونی نظام ارزش‌های پدر و مادر و فرزندان

یکی از ریشه‌های گسستن پیوند فرزندان با پدر و مادر، اختلافی است که در گذر تاریخ میان نسل‌ها پدید می‌آید؛ یعنی نسل پیشین می‌رود و نسل نو می‌آید. چون نسل جدید نمی‌تواند به ارزش‌ها، مسایل، آداب، عادت‌ها، جهان بینی و آن چه به نسل پیشین مربوط است، صد درصد وفادار بماند، نسبت به ارزش‌های گذشته تردید می‌کند. بنابراین، مسایل تازه‌ای برای رخ می‌نماید. امروزه دگرگونی در نظام ارزش و شیوه‌های رفتاری، زمینه‌های فرهنگی و در نتیجه، فاصله افتادن میان نسل‌ها بیش از هر زمان دیگری در جهان گسترش یافته است. نوجوانان، جوانان و گروه‌های سنی تا ۲۴ سال به عنوان قشرهای اثر پذیر بیش از دیگر قشرهای اجتماعی در معرض این دگرگونی‌ها قرار دارند(شیخی، ۱۳۷۸). تحقیقاتی که بین دانش‌آموزان پسر مناطق ۳ و ۱۹ دبیرستان‌های تهران صورت گرفته است نشان می‌دهد که اولاً: در اغلب گرایش‌های ارزشی بین پسران و پدران، فاصله ایجاد گردیده است. ثانیاً: این گرایش‌ها در زمینه ارزش‌های مذهبی و اجتماعی در نسل موجود «پسران» کاهش و در زمینه ارزش‌های هنری، سیاسی، علمی و اقتصادی افزایش نشان می‌دهد(ماهنامه پیوند، ش ۲۴۹).

## - نبود درک دوجانبه میان پدر و مادر و فرزندان

پدران و مادران انتظار دارند که فرزندانشان از الگوهای مورد نظر آنان پیروی کنند. آنان بر الگوهای سنتی نظام خانواده پافشاری می‌کنند که اقتدار در تصمیم‌گیری را به پدر و مادر مربوط می‌داند. در مقابل، فرزندان چون در شرایط و دوره‌ای متفاوت‌تر از گذشته به سر می‌برند، با چنین الگویی، سرسازگاری ندارند. امروزه نوجوانان و جوانان با بهره‌گیری از دستگاه‌های اطلاع‌رسانی، شکل زندگی و برآوردن نیازمندی‌های خود را با نوجوانان و جوانان دیگر مناطق ایران و جهان مقایسه می‌کنند. یک جوان ۲۰ ساله در این باره می‌گوید: اختلاف اصلی نسل قبل و نسل امروز ناشی از بروز اختلاف دیدگاه‌هاست. افراد سالخورده یا نسل «گذشته» هم‌چنان به روابط عمومی به ویژه در درون خانواده بر پایه همان سلسله مراتب انعطاف‌پذیر گذشته می‌نگرند و فکر می‌کنند و کوچک‌ترها حق اظهار نظر ندارند و تنها باید فرمانبردار باشند. به نظر من این فکر درست نیست. ما که بیش‌تر از آن‌ها در اجتماع هستیم و بیش‌تر از آن‌ها پیشرفت‌ها را می‌بینیم، وقتی این تغییرات را به آن‌ها منتقل می‌کنیم، نمی‌پذیرند یعنی حاضر نیستند که حرف جوان‌ترها را قبول کنند. در حالی که ممکن است اطلاعات و شناخت من که تحصیلات بیش‌تری نسبت به مادرم (و پدرم) دارم، بهتر و صحیح‌تر باشد. در زندگی حال حاضر خیلی چیزها عوض شده است. جوان‌های ما حتی در مورد طرز لباس پوشیدن شان هم با خانواده‌شان مشکل دارند، چه برسد به مسایل دیگر پس تعارض میان انتظارات پدر و مادر و فرزندان به ناسازگاری آنان با یکدیگر انجامیده است (روزنامه همشهری، ش ۱۹۰۷).

## - کاهش پای‌بندی اعضای خانواده به آداب و سنت‌های خانوادگی

دگرگونی‌های اقتصادی - اجتماعی به ساختار سنتی نظام خانواده اثر می‌گذارد و به بی‌تفاوتی اعضای خانواده نسبت به نظام ارزشی و اعتقادی مورد احترام آنان می‌انجامد. برای مثال، اگر در گذشته، پذیرش خواست و نظر بزرگسالان هم چون پدر و مادر در نظام سنتی خانواده، یک اصل پنداشته می‌شد، اکنون این اصل مورد تردید قرار گرفته است. دید و بازدید بزرگان خانواده در ایام و مناسبت‌های گوناگون نیز از همین موضوع پیروی می‌کند... این موارد، کاهش پای‌بندی اعضای خانواده به اصول ارزش‌های مورد احترام را به ذهن متبادر می‌سازد و این‌ها، برای نسل حاضر در پای‌بندی به هویت‌های ارزشی‌شان آسیب‌هایی را به بار می‌آورد. چنین

شرایطی، پذیرش فرهنگ آسیب‌زا و گاه متضاد با فرهنگ مورد احترام خانواده سنتی را امکان‌پذیر می‌سازد (ماهنامه پیوند، ش ۲۴۹).

### - کاهش کاربرد پرورشی نظام خانواده

خانواده یک نهاد پرورشی است که در تکوین شخصیت افراد، نقشی تعیین‌کننده دارد. پیش‌تر در جامعه اسلامی و شرقی، خانواده در پرورش فرزندان، نقش بزرگی داشت. در این حالت، پدر و مادر خود را در اختصاص دادن وقت کافی برای پرورش فرزندان، مکلف می‌دانستند. از این رو، نه تنها آنان را در کارهای آموزشی مدرسه یاری می‌دادند بلکه در آموزش اخلاق و رفتار اجتماعی نیز نقش داشتند. متأسفانه این نقش ارزنده در دهه‌های اخیر با ورود الگوهای غربی، آسیب دیده است. اینک بسیاری از پدران و مادران با نام نویسی فرزندان خود در یک مدرسه، مسئولیت خویش را پایان یافته می‌پندارند. بدین ترتیب، برای آموزش ارزش‌های اخلاقی و آداب اجتماعی به فرزندان خویش و یاری رساندن به درس آنان، زمان کافی اختصاص نمی‌دهند. هم‌چنین گاهی پدر و مادر هر دو شاغلند. از این رو، فرزندان خود را به مهد کودک می‌سپارند. بدین ترتیب، هنگامی که به خانه برمی‌گردند، به دلیل خستگی ناشی از زندگی ماشینی، برای رسیدگی به فرزندان خود، فرصتی نمی‌یابند (مجله رشد، ش ۲۴۹).

### - کاهش الگوپذیری

در دوره‌های گوناگون سنی، معیارهای الگوپذیری از عواملی هم‌چون: سن، جنس، سلیقه و دید مثبت به افراد شاخص در زمینه‌های علمی، فرهنگی، ورزشی و ... اثر می‌پذیرند. برای نمونه کودکان تا پیش از رفتن به مدرسه، از پدران و مادران الگوبرداری می‌کنند. سپس در مدرسه از آموزگار خویش الگو می‌گیرند. از نظر سنی، گروه دوستان و هم‌سن و سالان الگوهای نوجوانان و جوانان هستند که همین مسأله تا اندازه‌ای به کاهش الگوپذیری آنان از نظام خانواده می‌انجامد. از سوی دیگر، با توجه به پدیده شکاف نسل‌ها و دگرگون شدن نظام ارزشی فرزندان نسبت به پدران و مادران و در نتیجه، کاهش پای‌بندی اعضای خانواده به نظام



ارزشی مورد احترام، در الگوپذیری نوجوانان و جوانان از نظام خانوادگی، دگرگونی‌های محسوس پدید آمده است. این مسأله، آسیب‌هایی را برای نوجوانان و جوانان در بر دارد که مهم‌ترین آن، پیروی از رفتارها و منش‌هایی است که گروه دوستان، نوجوانان و جوانان آن را از فرهنگ‌های وارداتی آموخته‌اند. بی‌توجهی به ارزش‌های اعتقادی و ملی مورد احترام خانواده و جامعه، نوجوانان و جوانان را آن‌چنان از ارزش‌های وارداتی مهاجم هراسان خواهد ساخت که بی‌هیچ‌گونه مقاومتی و گاه با نوعی خودباختگی فرهنگی، خود را تسلیم آن می‌کنند. این ارزش‌ها با فرهنگ ملی تعارض آشکار دارد و به آسیب‌پذیری جوانان و نوجوانان در جنبه‌های گوناگون اجتماعی خواهد انجامید (آرامش، ۱۳۸۵).

#### - کاهش آرامش روانی

در گذشته، اعضای خانواده، فامیل و خویشاوندان، ارتباط بیش‌تری با هم داشتند. به همین دلیل، دل بستگی به یکدیگر احساس می‌کردند. متأسفانه این احساس، جای خود را به تنهایی و دوری از خانواده داده است. خانواده در جهان اسلام، عامل بر آوردن نیازهای عاطفی افراد و امنیت بود. نهاد خانواده سبب می‌شد نوباوگان جامعه پیش از رسیدن به بلوغ اجتماعی و دست‌یابی به شغل، از نظر مسائل اقتصادی و فراهم آوردن نیازهای زندگی، مشکلی نداشته باشند. هم‌چنین همبستگی خانوادگی سبب می‌شد افراد کهن سال نیز از دغدغه «تنهایی» فارغ بوده و مطمئن باشند که فرزندان‌شان، آنان را رها نخواهند کرد. بدین سان در پرتو نهاد خانواده هم نوباوگان جامعه و هم سالخورده‌گان، امنیت و آرامش بیشتری احساس می‌کردند. اینک هجوم غرب‌گرایی و ارزش‌های غربی به سستی بنیان‌های خانواده در میان قشرهای رفاه زده جامعه و جنبه‌های انسانی و معنوی در رابطه افراد اجتماع انجامیده است. چنین وضعیتی سبب می‌گردد نسل جوان از تکیه‌گاهی مطمئن محروم گردد و نتواند نیازهای عاطفی خود را به آسانی برآورده سازد. این مسأله، خود، به سرخوردگی آنان و افزایش جرم و جنایت، اعتیاد و خودکشی در جامعه خواهد انجامید (رستمی، ۱۳۷۴).

## - کاهش نقش نظارتی خانواده

در گذشته، دوستی‌های نوجوانان، جوانان و دیگر اعضای خانواده از نظارت و توجه خانواده دور نبود. معمولاً پدران و مادران با توجه به شناختی که نسبت به خانواده‌های دوستان فرزندان خویش داشتند، به این دوستی‌ها اعتماد می‌کردند. اکنون شکل زندگی نوین و دگرگونی در ساختار خانواده‌ها، از میزان نظارت خانواده بر دوستی‌های فرزندان به شدت کاسته است. فاصله گرفتن نوجوانان و جوانان از حیطه نظارتی خانواده از یک سو و وجود مسایل و مشکلات جنسی، اجتماعی و اقتصادی از سوی دیگر، اعضای خانواده‌ها را به ویژه در شهرهای بزرگ‌تر در معرض دوستی‌های نامتعارف و خارج از مدار منطق و سلامت اجتماعی قرار داده است. این نوع دوستی‌ها به ویژه در میان دختران و پسران جوان بیش‌تر به چشم می‌خورد. آسیب‌هایی که در پی دوستی‌های نامتعارف بر اعضای خانواده به ویژه گروه سنی نوجوانان و جوانان وارد می‌شود، به پژوهش‌های دامنه‌دارتری نیاز دارد (حاتمی، ۱۳۸۷).

## راه کارهای تقویت ارتباط و تعامل در نظام خانواده :

### - درک درست و علمی از نیازمندی‌های فرزندان

گفتیم که تفاوت نظام ارزش‌های پدر و مادر با فرزندان به پدیده‌ای به نام شکاف نسل‌ها انجامیده است. این پدیده، از تفاهم و درک مثبت و دو جانبه پدران و مادران و فرزندان کاسته و در الگوپذیری نسل جدید از نظام ارزشی خانواده اختلال ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد مناسب‌ترین راه برای ترمیم شکاف نسل‌ها، نزدیک ساختن پندارها و نظرهای پدران و مادران با فرزندان است. به همین دلیل، پدران و مادران باید نیازمندی‌ها، شرایط، جایگاه سنی و دوران رشد فرزندشان را به درستی درک کنند. در این صورت، رفتاری متناسب با شرایط فرزندان خود خواهند داشت. این کار به آگاهی‌های تربیتی از نیازمندی‌های اجتماعی فرزندان بستگی دارد. آموزش پدر و مادر برای درک واقع بینانه شرایط جدید، آگاهی از نیازمندی‌های فرزندان، رفتار متناسب با شرایط سنی آنان و همدلی و همراهی برای برآوردن نیازهای فرزندان شیوه عملی برای ترمیم شکاف نسل‌هاست (محمدخانی، ۱۳۸۴).

شهید باهنر در این زمینه می‌گوید: شنیده‌اید که گاهی گفته می‌شود فلان پدر با پسر جوانش دوست است . ساعت‌ها می‌نشینند و با هم صحبت می‌کنند، راه می‌روند و درد دل می‌کنند. آیا شما هم حاضرید این گونه عمل کنید یا فقط در حدود همین تشریفات که باید احوالی پرسیده شود و سلام و علیکی باشد، قانع هستید؟ این قدر فاصله زیاد است که حرفی برای گفتن وجود ندارد. همین جوان اگر ریفش را پیدا کند، دو ساعت با هم حرف می‌زنند، اما با پدر و مادرش مثل اینکه حرفی برای گفتن ندارد. نمی‌دانم که آیا روح‌ها به هم نزدیک نیست یا عواطف شکوفا نیست؟ بالاخره صمیمیت وجود ندارد، بنابراین باید کاری کرد که صمیمیت درکانون خانواده حاکم باشد تا روابط صمیمی و مستحکم شود(ماهانامه پیوند، ش ۲۴۹).

#### - تلاش برای کاهش جمعیت خانواده و فاصله سنی پدر و مادر با فرزندان

تحقیقات نشان می‌دهد که با محدودیت خانواده، امکان آموزش بهتر و رسیدگی بیشتر به امور فرزندان میسر می‌گردد و با ارتقای ارزش‌های مذهبی و اخلاقی در فرزندان می‌توان عامل متعادل کننده‌ای در دیگر ارزش‌ها از جمله میزان پایبندی اعضای خانواده به استحکام این نهاد مهم فراهم آورد. از سوی دیگر، کاهش فاصله سنی بین پدران و پسران و همین‌طور مادران و دختران، به وحدت و همسویی گرایش‌های ارزشی کمک می‌کند. بنابراین، باید برای تقویت سنت پسندیده ازدواج به عنوان یک اقدام ارزشی در جامعه گام برداشت و راه‌های کاهش سن ازدواج را با تأمین زمینه‌های رفاهی و اجتماعی تشویق کرد تا میان نسل‌ها، وحدت و هم‌سویی ایجاد گردد. در این صورت پای‌بندی اعضای خانواده به نظام ارزشی و اعتقادی، رسوم، فرهنگ و سنت‌های پسندیده خانوادگی تقویت می‌شود(شفیعی، ۱۳۷۲).

## - افزایش نقش پرورشی پدر و مادر

در مقایسه با گذشته، نظام خانواده در زمینه کارکرد پرورشی اقتدار و کارآیی لازم را ندارد. به همین دلیل، الگوپذیری اعضای خانواده به بیرون از نظام و مدار ارزشی خانواده گرایش پیدا کرده است. برای تقویت کارکرد پرورشی نهاد خانواده و کارآیی آن جهت الگوسازی برای فرزندان باید جایگاه پدر و مادر به الگوهای مورد احترام و پذیرش فرزندان ارتقا یابد. بنابراین، باید به راه کارهایی که چنین ایده‌آلهایی را برای فرزندان به وجود می‌آورند، توجه کرد. بهره‌گیری متعادل پدران و پسران از وسایل ارتباط جمعی در کاهش تفاوت ارزش‌های آن‌ها نقش مهمی دارد. رغبت پدران به وسایل ارتباط جمعی سبب افزایش بینش هنری آنان می‌شود و کاهش استفاده پسران از تلویزیون به وحدت نظر آنان با پدران در زمینه ارزش‌های علمی کمک می‌کند. هم‌چنین متعادل کردن اوقات فراغت پدران از افزایش تفاوت آنان با پسران‌شان در گرایش به ارزش‌های علمی و سیاسی پیش‌گیری می‌کند. بنابراین، برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت خانواده‌ها از جدایی رفتاری پدران و مادران با فرزندان پیش‌گیری خواهد کرد و به وحدت رویه در گرایش به ارزش‌ها یاری می‌رساند. هم‌چنین برنامه‌ریزی وسایل ارتباط جمعی برای نزدیکی گرایش‌های ارزشی فرزندان با پدران و مادران به ویژه در زمینه‌های هنری، سیاسی و اجتماعی، بستر مناسبی برای تقویت کارکرد پرورشی خانواده فراهم می‌آورد و زمینه الگوسازی از این نهاد را در فرزندان تقویت می‌کند (روزنامه همشهری، ش ۲۲۰۵).

## - تقویت سنت پسندیده صله رحم

در گذشته، اعضای خانواده به دلیل اشتغال کم‌تر، فرصت‌های بیش‌تری را در اختیار خانواده قرار می‌دادند و دید و بازدیدهای خانوادگی بیش‌تر از امروز رایج بود. «بیش‌تر خانه پدر و فرزندان از یکدیگر جدا نبود و هر دو یک خانواده محسوب می‌شدند. شعاع پیوند خانوادگی و رابطه عاطفی بسی گسترده‌تر بود و حتی رابطه عاطفی نزدیکی میان جد و نوادگان، خاله‌ها و عموها، دایی‌ها و عمه‌ها و فرزندان وجود داشت». در نتیجه «فرد از نظر روانی در خانواده، احساس هم‌بستگی بیش‌تری داشت و کم‌تر احساس تنهایی می‌کرد». بدین ترتیب، فرد به دلیل تعامل بیش‌تر با اعضای خانواده و اعضای خانواده به دلیل تعامل بیش‌تر با خویشاوندان، احساس تعلق

قوی‌تری داشتند و همواره خود را مورد حمایت عاطفی و حتی اجتماعی و اقتصادی خانواده و خویشاوندان می‌دانستند. آنچه به تعامل بیش‌تر اعضای خانواده با خویشاوندان می‌انجامید، تأکید دین مبین اسلام و رهبران دینی در پیروی از سنت پسندیده صله رحم بود. متأسفانه در دهه‌های اخیر، به دلیل پیروی از فرهنگ غرب، الگوی هسته‌ای شدن خانواده‌ها در جامعه گسترش یافته و نقش سنت الهی «صله رحم» کم رنگ شده است. در عوض، نقش سنت‌های غلط هم چون: چشم و هم چشمی، تجمل پرستی، نیازهای کاذب و... پررنگ‌تر شده است. پس برای بهره‌گیری از پی‌آمدهای معنوی و روانی محیط خانواده و افزایش رضایت‌مندی ناشی از همبستگی اعضا با یکدیگر باید سنت پسندیده صله رحم احیا گردد. صله رحم، احساس تعلق به گرون بزرگ‌تر را برای افراد پدید می‌آورد و در ترمیم شکاف نسل‌ها نیز نقش دارد. این کار تنها با بهره‌گیری از امکانات نهادهای فرهنگی، مذهبی و هنری و دیدگاه‌های کارشناسان اجتماعی و دینی امکان‌پذیر است (آرامش، ۱۳۸۵).

#### - تقویت اقتدار خانواده برای نظارت بر دوستی‌ها نامتعارف

دگرگونی روابط نهاد خانواده، شکاف نسل‌ها، کاهش پای‌بندی به ارزش‌ها و سنت‌های خانوادگی، کاهش کارکرد پرورشی خانواده و در نتیجه، کاهش الگوپذیری اعضای خانواده به ویژه نوجوانان و جوانان، شکل شیوه متعارف دوستی‌ها، رفت و آمدها و معاشرت‌ها را دگرگون ساخته است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شیوه‌های دوستی موجود میان جوانان و نوجوانان از منطق، اندیشه و ارزش‌های معقول اجتماعی پیروی نمی‌کند و همین امر، آسیب‌هایی را برای سلامت و سعادت، اخلاق و رفتار اجتماعی خانوادگی جامعه به بار می‌آورد. قربانیان اصلی این آسیب‌ها نیز جوانان و نوجوانان و خانواده‌های آن‌ها هستند. پس شایسته است برای متعادل و منطقی ساختن شیوه‌های دوستی و معاشرت، چاره‌ای منطقی و عملی اندیشیده شود. گفتنی است با کاهش و ترمیم شکاف نسل‌ها، درک دو جانبه و احترام آمیز پدر و مادر و فرزندان، کوشش برای جذاب ساختن محیط خانوادگی، تقویت معیارهای الگوسازی در خانواده و تحکیم مبانی کارکرد پرورشی، اقتدار خانوادگی به دست خواهد آمد. به یقین، در پرتو اقتدار خانواده، نقش نظارتی و پویای خانواده‌ها را بر دوستی‌ها و معاشرت‌ها می‌توان تحکیم بخشید. در این صورت، گسترش ارزش‌های معنوی، کاهش انتظارات مادی و اقتصادی شهروندان برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت جوانان و نوجوانان، گسترش فرآورده‌های فرهنگی، مراکز فرهنگی

و فرهنگ‌سراها، متناسب با ارزش‌های اجتماعی در تضمین سلامتی روابط خانوادگی، نقش مهمی دارد (حاتمی، ۱۳۸۷).

#### - کاهش پیش‌زمینه‌های ناسازگاری اعضای خانواده با ارزش‌های خانوادگی

برای کاهش ناسازگاری‌های خانوادگی باید به این نکته‌ها توجه کرد.

- با شناسایی ریشه‌های ناسازگاری و عواملی که در آغاز ازدواج به سلامت زندگی خانوادگی ضربه می‌زنند، باید سلامت ازدواج را تضمین کرد.

- دست‌اندرکاران امور اجتماعی و دولت مردان باید با توجه به الگوهای تجربه شده جهانی و اسلامی، به مشکلات اقتصادی و اجتماعی نظر ویژه‌ای داشته باشند.

- مسایل و مشکلات رفتاری را باید با دانش افزایی و راهنمایی افراد به مراکز مشاوره‌ای کاهش داد.

- برای افزایش سازگاری در فرهنگ‌های اجتماعی باید از در هم تنیدگی فرهنگی پرهیز کرد. حتی در مهاجرت‌ها نیز سکونت‌ها باید بر اساس هماهنگی فرهنگی برنامه‌ریزی شود.

- برای ایفای نقش مناسب اعضای جامعه باید فرهنگ احترام به حقوق متقابل در محیط خانواده و اجتماع، گسترش یابد.

- برای پیشگیری از شکاف نسل‌ها، پای‌بندی به ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی آموزش داده شود.

- تلاش برای انتقال ارزش‌ها و اخلاق و تربیت اسلامی به فرزندان.

باید دانست در سن ۱۲ تا ۱۸ سالگی، باورهای مذهبی در نوجوانان از استحکام بیشتری برخوردار است. به همین دلیل است که از این پدیده برای بارور ساختن ارزش‌های اصیل دینی در نسل جدید می‌توان بهره گرفت. خانواده و اجتماع در تثبیت باورها و ارزش‌های اسلامی یا متزلزل ساختن آن‌ها نقش مهمی دارند؛ زیرا نوجوان از یک سو از ویژگی‌های اخلاقی خانواده و محیط اجتماعی اثر می‌پذیرد و از سوی دیگر از ارزش‌ها و اندیشه‌های گروه‌های هم‌سال. دگرگونی‌های جسمانی و روانی دوره بلوغ نیز نقش ویژه‌ای دارند. پژوهش‌ها نشان داده است که نوجوانان در مقایسه با جوانان، به مذهب و باورهای دینی تمایل بیشتری دارند، ولی برخی سخت‌گیری‌های بی‌مورد و انضباط بی‌روح مذهبی، آنان را از دین و مذهب، گریزان می‌سازد. باید دانست همواره خراب کردن، بسیار آسان‌تر و کم هزینه‌تر از ساختن است. به همین دلیل، در دوره نوجوانی که دوره تحول روحی است، کوچک‌ترین اشتباه در امر پرورش، به انحراف و لغزش آنان می‌انجامد. همان گونه که گرایش به مذهب در این دوران وجود دارد، تمایل به انحراف نیز به همان میزان خودنمایی می‌کند. با این حال، ارزش‌ها در دوران بلوغ دگرگون می‌شود و برخی نوجوانان در باورهای مذهبی، تردید می‌کنند و پرسش‌هایی برای آنان مطرح می‌شود. پس پدر و مادر نباید بهراسند و به مخالفت و برخورد تند دست بزنند. پدر و مادر باید با آرامش و تأمل به همه پرسش‌ها و تردیدهای فرزندان‌شان، به صورت مناسب، منطقی و قانع‌کننده پاسخ دهند. به گفته استاد شهید مطهری: «شک مقدمه یقین است و پرسش مقدمه وصول به حقیقت و اضطراب مقدمه آرامش. شک معبری است خوب و لازم، هر چند منزل و توقف‌گاه نامناسبی باشد (ماهنامه پیوند، ش ۲۴۹).

هر فرد با توجه به نوع شخصیت خویش (اندیشمند، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی) به دسته‌ای از ارزش‌ها بیش از دیگر ارزش‌ها توجه می‌کند. در نتیجه همان ارزش‌ها محور و جهت رفتار او را تعیین می‌کنند. جوانان، شیفته ارزش‌های فرهنگی اعم از دینی، سیاسی، اجتماعی و... هستند و بیش‌ترین تضاد آنان با نسل پیشین با شکاف نسل‌ها نیز از همین جا ریشه می‌گیرد. جوانان پای‌بند ارزش‌های کهنه بزرگ سالان نیستند و پدران و مادران نیز با دیدگاه نوجوانان خود، مخالف و از دگرگونی آنان، هراسان‌اند. پس برای پیش‌گیری از انحراف نوجوانان باید آنان را با اصول و ارزش‌های خانوادگی و اجتماعی اسلام آشنا سازیم و اجازه دهیم که خود، با دانش و آگاهی برای پرسش‌های‌شان در زمینه‌های مذهبی، اجتماعی، سیاسی و... پاسخی مناسب بجویند. در این صورت، آیینی را که سال‌ها به پندار خود با تقلید از ما یاد گرفته‌اند، این بار با بررسی آگاهانه،

درک می‌کنند و آن را درونی می‌سازند. جوانان در دوران نوجوانی و بلوغ، به دنیای پیرامون خود دیدگاهی فلسفی پیدا می‌کنند و می‌پندارند درباره جهان و معنای وجودی انسان باید پاسخ‌های بهتری بیابند. از این رو، به تکاپو دست می‌یازند. به یقین، اگر پدر و مادر در این دوره به درستی رفتار کنند، آنان پاسخ خود را در مذهب و اخلاق اسلامی خواهند یافت. افزون بر خانواده، نهاد مدرسه و روحانیت نیز در این روند، نقش دارند. همه این نهادها می‌توانند با کاستن از فشارهای بی‌جا و تهدیدهای بی‌مورد به جوانان در یافتن پاسخ مناسب برای نیازهای‌شان، یاری رسانند. ما باید بکوشیم از آئینه جوان به جهان آنان بنگریم تا به نیازهای‌شان پی ببریم. البته باید از نوجوانان به اندازه توانایی و خودشناسی‌اش انتظار داشته باشیم و قاطعیت را نیز از یاد نبریم (کریمی، ۱۳۷۴).

### جوان، دانشجو، دانشگاه

جوانی بهار عمر و جوان بهترین و مفیدترین قشر جامعه است. جوانان قشر متحرک، فعال و پرشور و نشاط جامعه را تشکیل می‌دهند. آن‌ها با استعدادهای فراوان نشاط بسیار راه‌های سخت و ناهموار پیشرفت را می‌پیمایند و زمام فردای جامعه را به دست می‌گیرند. بدین جهت تمام نظام‌ها و حکومت‌ها روی این قشر عظیم و آینده‌ساز سرمایه‌گذاری می‌کنند. در این راستا انبیاء و معصومان نیز توجه ویژه‌ای به جوانان داشته‌اند. به جهت آنکه رویکرد بحث بررسی منابع اسلامی می‌باشد پرتوی از سخنان و سیره امام صادق(ع) را در زمینه توجه به جوانان در کلام گهر بار این معصوم بررسی نموده و ارائه می‌نماییم. فراگیری دانش در جوانی همچون نقشی است بر سنگ که تا پایان عمر، انسان را همراهی می‌کند، از اینرو هر کس هرچه دارد، از جوانی دارد، به همین سبب است که پیشوایان دینی سخت بر این مسئله سفارش کرده‌اند که در جوانی دنبال علم و دانش باشید. در کلام الهی نیز دوره جوانی، دوره منحصر به فردی است. آنجا که در قرآن کریم می‌فرماید: «و لما بلغ أشده و استوی آتیناه حکماً و علماً؛ چون به حدّ رشد و کمال خویش رسید، به او علم و حکمت عطا کردیم.» امام صادق(ع) در تفسیر آن فرموده‌اند: «اشده ثمانی عشره سنه و استوی التحی؛ اشد یعنی هجده سالگی و استوی یعنی بیست و یک سالگی» (اصول فقه، ج ۱، ص ۱۰۰). امام صادق(ع) می‌فرماید: «لست احب ان اری الشّاب منکم الا غادياً فی حالین اما عالماً او متعلماً فان لم يفعل



فَرَطٌ و ان فَرَطٌ ضَيِّعٌ فَا ن ضَيِّعٌ اِثْمٌ و ان اِثْمٌ سَكَنُ النَّارِ وَا لَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ؛ ترجمه: دوست ندارم جوانان شما را جز در دو حالت ببینم: دانشمند یا دانشجو. اگر (جوانی) چنین نکند، کوتاهی کرده و اگر کوتاهی کرد، تباه ساخته و اگر تباه ساخت، گناه کرده است و اگر گناه کند، سوگند به آنکه محمد(ص) را به حق برانگیخت، دوزخ جایگاه او خواهد شد.»(بحار الانوار، ج ۱).

به همین سبب است که جوانان باید از عمر خویش استفاده کافی ببرند تا بعداً پشیمان نگردند. حضرت صادق(ع) برای اصلاح جوانان نیز توصیه‌های مهم و کارسازی ارائه فرموده اند که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود: ایشان در حدیثی می‌فرمایند: «یا معشر الاحداث اتقوا الله و لاتأتوا الرؤساء دعوهم حتی یصیروا اذنباً لاتتخذوا و الرجال و لایح من دون الله انا و الله خیر لکم منهم ثم ضرب بیده الی صدره؛ ای گروه جوانان! تقوا پیشه کنید و نزد رئیسان نروید. رهایشان کنید تا زمانی که از ریاست بیفتند. مردان (شخصیتهای برجسته) را به جای خداوند دوست همراز مگیرید. به خدا سوگند! من برایتان بهتر از آنان هستم. آن گاه با دست بر سینه‌اش زد (یعنی به جای ما به دنبال رهبران ستمکار نروید).»

در این حدیث گرانسنگ حضرت به چند نکته اشاره نموده‌اند:

۱- تقوا و پاکی را پیشه سازید.

۲- به دنبال رؤسا و مقام داران نباشید.

۳- شخصیت زده نشوید.

۴- ما را در زندگی رها نکنید که از هر نظر مصالح شما را تأمین می‌کنیم.

ب. آن حضرت در جای دیگر، سخنان لقمان به فرزند جوانش را به عنوان سفارش به جوانان نقل نموده است. آنجا که می‌فرماید: «یا بنی ایاک و الضجر و سوء الخلق و قلّه الصبر فلا یستقیم علی هذه الخصال صاحب و الزم نفسک التّوّه فی امورک و صبر علی مؤونات الاخوان نفسک و حسن مع جمیع الناس خلقک؛ فرزندم! پرهیز از گرفتگی و بد خلقی و ناشکیبایی، چرا که با این خصلتها، دوستی استوار نمی‌ماند. آرامش و وقار را در کارهایت حفظ کن و خود را بر هزینه کردن برای برادران و اदार و با تمام مردم اخلاقت را نیکو ساز.»(مشکاه الانوار).

دانشگاه محیطی علمی، اجتماعی و فرهنگی است که فرد بعد از پایان دوران متوسطه برای فراگیری علم به آنجا می رود که خود را از لحاظ علمی و دانش یک گام دیگر بالاتر ببرد ولی نکته مهم این است که دو بُعد بعدی مهمتر از فراگیر علم و دانش است، یعنی بعد اجتماعی و فرهنگی. ما از دورانی پا به دوران دیگری می گذاریم، دوران دانش آموزی دورانی است که سن و سال کمی را می طلبد و با رفتن به دانشگاه می توان به بلوغ دست یابیم. دانشگاه می تواند هم مثبت باشد و هم منفی. اگر ما به فکر درس و فعالیت های در خور دانشگاه که هم سطح دانشگاه را بالا ببرد و هم کمک شایانی به بدنه نظام آموزشی و فرهنگی کند، می تواند مثبت باشد و اگر ما به فکر این باشیم که به دانشگاه ها، به چشم یک تفرجگاه نگاه کنیم نمی تواند مثبت باشد معضلات دیگری مثل دوستی های نامشروع، کمک برای بر هم زدن نظم عمومی و ایجاد رعب و وحشت، حرف ها و بحث های که نظام جمهوری اسلامی را زیر سوال ببرد و... البته منظور این نیست که بحث نشود و یا مناظره مثبت که هم بفکر دانشگاه و هم بفکر دانشجو باشد انجام نشود بلکه منظور بحث هایی هست که از اول بوی تفرقه و اختلاف و اختشاش می دهد، و این هم بعد منفی دانشگاه است. دانشجو کسی است که برای آموختن علم، معرفت، ادب و شخصیت بالاتر و دین داری و مردم داری پا به دانشگاه می گذارد که خود را از لحاظ فرهنگی و اجتماعی به بلوغ برساند. دانشجوی مثبت گرا می داند که تنها علم نمی تواند به او در آینده کمک کند چون علم بتنهایی نمی تواند به کمال گرایی کمک کند و حتی می تواند غرور کاذب بوجود بیاورد که فرد دین گریز و مردم گریز شود پس علم و دین و مردم داری و معرفت می تواند لازم و ملزوم یکدیگر باشد و این یعنی رسیدن به بلوغ اجتماعی و فرهنگی که دانشجو باید در دانشگاه در کنار کسب علم به آن دست پیدا کند. دانشگاهها هم باید محطی را فراهم کنند تا از همه لحاظ فرصت را به دانشجو بدهند، باید فضاهای آموزشی ما درخور توجه باشد و نیازهایی که دانشجو دارد در حد قابل قبولی در دانشگاه برآورده شود. دانشجویان که گردانندگان اتاق های فکر کشور جمهوری اسلامی ایران هستند باید ارزش کار خود را مورد توجه قرار دهند، باید به دانشجویان بها، کار و فرصت داد که از روی عقل و به دور از مشغله های فکری دیگر بتوانند از لحاظ علمی و پژوهشی که مبتنی بر فرهنگ بومی کشور باشد به کشور خدمت و کمک کنند. چراکه در زمان کنونی و با شرایط فعلی جهان دانشگاه ها یکی از مهمترین مراکز بستر ساز برای رشد و اعتلا و پیشرفت هر کشوری می باشد که باید با برنامه ریزی و هدف گذاری دقیق علمی در جهت اهداف اساسی آن کشور همسو و هم جهت باشد.

## بحث و نتیجه گیری :

خانواده مهمترین نهاد اجتماعی و مقدس ترین، عظیم ترین و پایدارترین بستر تربیت و تندرستی انسان است. شکی نیست که سلامت جامعه به سلامت خانوادگی بستگی دارد و اهمیت تأثیر خانواده بر رشد فرد به قدری است که تا کنون هیچ نهادی نتوانسته است جای آن را بگیرد. خانواده اولین مدرسه تربیت کودک است که طفل نگرش نسبت به خود، مردم و زندگی را از آنان می آموزد. کودک شرافت، صداقت، وفای به عهد، رعایت عدالت، نظم، احترام به قوانین، احساس مسئولیت، احساس ارزش خود، اعتماد به نفس و ... را در خانواده می آموزد. وجود چنین شرایطی در خانواده همیشه ضروری است، بویژه آنگاه که پای فرزند یا فرزندان هم در میان باشد. محبت و علاقه والدین به یکدیگر موجب شادی و نشاط کودک است و بر اثر آن بذری دوستی و دلبستگی در درون او کاشته می شود. فرزندان در پرتو علاقه والدین به یکدیگر، افرادی خونگرم و با محبت بار می آیند و نسبت به دیگران با دیده ی محبت می نگرند. خانواده کوچکترین هسته جامعه است و جامعه ی سالم از خانواده های سالم تشکیل یافته است. خانواده سالم، انسانهای سالم تربیت و پرورش می دهد و همین نیروهای ارزنده، جامعه را متحول می سازند. پس ثروت واقعی جامعه در برخورداری از انسانهای مسئول و شایسته است که در خانواده های سالم رشد و پرورش یافته اند. خانواده سنگ بنای هر جامعه انسانی است که در استحکام روابط اجتماعی و رشد و تعالی همه جانبه یکایک اعضای جامعه نقش بنیادین دارد. بنابراین هر گونه تلاش در جهت استوارسازی و استحکام بنیان نهاد خانواده، زمینه را برای رشد و سلامت جسم، روان، ارزشهای اخلاقی و سعادت عمومی مردم یک جامعه فراهم می سازد. خانواده به عنوان کوچک ترین واحد یک جامعه، نهادی است که هم در شکل گیری شخصیت اعضای خود و هم در ثبات جامعه از طریق ایجاد آرامش و امنیت، تأثیر فراوانی دارد. هیچ نهاد اجتماعی دیگر هم نمی تواند جایگزین آن شود و یا با آن برابری کند. با توجه به مطالب ارائه شده در این بحث که بیشتر رویکرد آن بر اهمیت و نکته سنجی های شگرفی بود که دین مبین اسلام و بزرگان این مذهب که حتی در جزئی ترین مورد مبتلا به مسلمانان و پیروان این مذهب برنامه و تئوری دارد بود و توضیحاتی که با رویکرد اسلامی راجع به این بحث ارائه شد می توان نتیجه گرفت که اگر تشکیل دهندگان نظام مقدس خانواده که همان زن و مرد که در نهایت به ایفای نقش در وظیفه مهم، خطیر و سرنوشت ساز پدر و مادری ظهور و بروز پیدا می کند به این آموزه های مهم و آینده نگر توجه کنند

و در عمل نیز فرزندان خود را که در نهایت جوانان، دانشجویان و آینده سازان نهایی کشورشان خواهند بود به بهترین شکل که مطابق با آموزه های ناب اسلامی تربیت کنند، این فرزند در آینده و با توکل بر خدای متعال به وظایف خود عمل خواهد کرد و راه پیشرفت و تعالی خود را طی و به سر منزل مقصود نائل می شود. این گونه است که بنیان خانواده یکی از اصلی ترین کانون های فرهنگ پذیری و الگو پذیری در دوران زندگی هر فرد است که باید توجه بیش از پیشی در خصوص آن صورت پذیرد و در نهایت اگر خواستار آن هستیم که افراد به بهترین شکل جامعه پذیر و افرادی متعامل و اجتماعی تربیت شوند، باید توجه زیادی به نظام خانواده شود چراکه خانواده اولین و مهم ترین کانون مؤثر و تأثیر گذار بر هر فرد و هر شخص اجتماعی در هر زمان و مخصوصاً در دنیای کنونی می باشد.

منابع :

- اختلاف نسل ها، واقعیت یا سوء تفاهم، مقاله، روزنامه همشهری، شماره ۱۹۰۷، ۱۳۷۸

- افروز، غلامعلی، ضرورت تقویت احساس امنیت درونی، ۱۳۸۵

- استادان، طرح جامع آموزش خانواده، نشر آرین، ۱۳۸۰

- باهنر جواد، نظام خانواده در اسلام، ۱۳۵۹

- جامعه شناسی خانواده، نعمت .. تقوی، انتشارات پیام نور، فروردین ۷۶

- دیلمی، احمد، آذربایجان، مسعود، اخلاق اسلامی، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۱

- شفیع، فرهاد، تحقیق در مورد بررسی نوع روابط والدین با فرزندان، ۱۳۷۲

- سیری در مسائل خانواده، حبیب .. طاهری، ۱۳۷۵

- علاه محمد تقی جعفری، بحار الانوار، قم: نشر مطهر

- غرر الحکم و دررالحکم، احادیث چهارده معصوم مطهر، قم: نشر اهل البیت
- غیاث فخری، عاطفه، مهارت‌های زندگی، تهران: نشر هنر آبی، ۱۳۸۳
- فرهاد حاتمی، مقاله چرا فرار دختران از خانه افزایش یافته است؟ روزنامه رسالت، ۱۳۷۸
- فصلنامه آموزشی علمی آرامش، اداره کل مشاوره و مددکاری ناجا، ۱۳۸۵
- قرآن کریم، ترجمه دکتر الهی قمشه ای، تهران: نشر آزمون
- کرمی، علیرضا، روانشناسی تربیتی، تهران: نشر مرکز تربیت معلم، ۱۳۷۴
- گفتارهای تربیتی، مقاله، مجله تربیتی خانواده، ۱۳۸۳
- محمد شیخی، عوامل مؤثر در تغییرات ارزشی، فرهنگی و فاصله نسل‌ها، فصل نامه فرهنگ عمومی، زمستان ۱۳۷۸
- ماهنامه پیوند، شمارگان مختلف، انجمن اولیاء و مربیان
- ماهنامه تربیتی رشد، وزارت آموزش و پرورش، تهران: نشر تربیت، ۱۳۸۵
- محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، چاپ بیروت، ۱۴۰۵ق، جلد ۵
- مکارم الاخلاق، به نقل از تعالیم آسمانی
- مجتبی لاری، سیمای تمدن غرب، ۱۳۸۲
- مشکاه الانوار، جمع آوری احادیث اهل البیت، قم: نشر سازمان تبلیغات
- محمد خانی، شهرام، مهارت‌های زندگی، تهران: نشر اسپند هنر، جلد اول، ۱۳۸۴
- نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه محمد دشتی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات آل علی، ۱۳۸۱
- وسائل الشیعه